

آموزه‌های معنوی در زندگی انسان براساس تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار میبدی

زهرا علیزاده شورکی

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه ملی مهارت، واحد استان یزد، یزد، ایران. رایانامه:

alizade@gmail.com

اطلاعات مقاله (۲۰۱-۲۱۵)	چکیده
نوع مقاله:	هدف نهایی از تربیت روح، تکامل یافتن و به مقام قرب‌الهی رسیدن است. قرآن کریم و احادیث دلالت روشن بر این مطلب دارند. باید دانست که مسیر حرکت انسان یک طریق واقعی است نه اعتباری و مجازی و از قرآن کریم و احادیث استفاده می‌شود که نهایت حرکت بشر به سوی خداست. رشیدالدین میبدی را می‌توان در شمار عرفا دانست. کتاب تفسیر کشف‌الاسرار وی عظیم‌ترین و قدیمی‌ترین تفسیر عرفانی فارسی است که مجموعه‌ای از لطایف حکمی و نکات قرآنی و اشارات نبوی در بردارد و با هدف تبیین راه سلوک روحانی و وصول به حق با استفاده از سرچشمه معرفت انبیا و شریعت رحمانی نوشته شده است. میبدی در نهایت ملایمت و ملاطفت، پند و اندرز گفته و پیام خود را در قالب نقل قول و حکایت و حدیث بیان نموده است. او در «النوبه الثالثه» نگاه عرفانی و هنری به آیات قرآن و قصه‌های پیامبران دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آموزه‌های معنوی در تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار پرداخته و نتیجه گرفته است که میبدی به بهترین وجه از عهده برگرداندن آیات به پارسی برآمده و نثر او در همین ترجمه‌ها پارسی روان زیباست نه ترجمه تحت‌اللفظی نارسا.
تاریخ دریافت:	
تاریخ پذیرش:	
واژه‌های کلیدی:	
کشف‌الاسرار	
معنویت	
ابوالفضل رشیدالدین	
میبدی	

۱. مقدمه

یکی از موضوعات مهم و قابل توجه در جهان معاصر ترویج معنویت است. در چند دهه اخیر همواره توجه به دین و معنویت برای رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و درونی بشر و هدفمندی مسیر رشد و بالندگی او به طور آشکار احساس می‌شود. زندگی بر پایه عقلانیت و معنویت می‌تواند انسان را به احساس ر ضایت از زندگی و آرامش نزدیک کند. توجه به دستورات قرآن که در منابع غنی و سرشار برای تربیت انسان است، بسیار ضروری است. بدون تردید سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی نقش به سزایی دارد، به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش در آورد، اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز خواهد ماند. معنویت هسته دین است و گوهر ادیان دانسته‌اند.

برنامه‌های عملی همی شه مؤثرترین برنامه‌ها ست. چون عمل، حکایت از ایمان عمیق انسان به گفتارش می‌کند و سخنی که از دل برآید بر دل نشیند. قرآن کریم برای تزکیه و تربیت نفسانی مردم اسوه‌های ارزشمندی را که در صفات برجسته انسانی ممتاز بودند، معرفی می‌کند و این، یکی از روش‌های تربیت است. میبیدی در مقام عارفی واصل که دغدغه او هدایت و رشد انسان است در آثار خود و به ویژه کشف‌الاسرار به سعادت انسان و نشان دادن راه رشد معنوی و کاهش درد و رنج آدمی اهتمامی ویژه نشان می‌دهد.

کلام میبیدی در تف سیرش، روان و منسجم و در بسیاری از موارد به شیوه سخنان استادش موزون و مقفی یا مسجع است و به همین سبب هنگام بحث در سبک موزون آن سخن رفته است. میبیدی در تف سیر هر یک از آیات، آن را یک بار به فارسی روان معنی می‌کند و آن را «النوبه الاولى» می‌نامد و در نوبت ثانی به تف سیر همان آیه بنا بر روش عامه مفسران و در نوبت ثالث باز به تفسیر آن آیه، به شیوه صوفیان می‌پردازد و در این مورد است که زیبایی نثر میبیدی آشکار می‌شود. کتاب کشف‌الاسرار به همت آقای علی اصغر حکمت از سال (۱۳۳۱ ش) به بعد در ده مجلد در دانشگاه تهران به طبع رسیده است.

میبیدی در کتاب خود برای پند و اندرز به داستان‌ها و حکایات توجه نشان داده است. وی نکات اخلاقی را در حریری از هنر و شیوایی به جامعه عرضه می‌دارد. زیبایی سخن وی این است که برخلاف واعظان اخلاق که سخنانشان سراسر امر و نهی است، امر و نهی را به گوهر آگاهی که در درون هر انسانی است و می‌گذارد و سخن را آن چنان شیرین و دلکش بیان می‌کند که انسان را به لذتی از روی درک رهنمون می‌سازد. همین لذت موجب پذیرش نکات اخلاقی از سوی مخاطب می‌شود، به هر حال ادبیات تعلیمی میبیدی مملو از حکایاتی

است که گاهی خطی از آنها می‌تواند موجب دگرگونی در زندگی و منش از سان گردد، تا از سان پیوسته مراقب احوال و متوجه اعمال و افعال خود باشد و هر عملی که می‌خواهد انجام دهد، ابتدا در آن تأمل کند، تا خلاف مقتضای حسن خلق از اوسر نزند.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

آموزه‌های معنوی به مجموعه‌ای از باورها و احساسات اطلاق می‌شود که به فرد کمک می‌کند معنا و مفهومی برای زندگی خود بیابد. آموزه‌های معنوی مسیری برای شناخت بهتر خود و جستجوی هدف زندگی و ارتباط با سبک حقیقت برتر و درک عمیق‌تر از جهان اطراف است و سبب می‌شود که انسان رشد اخلاقی و زندگی پر از عشق و آرامش داشته باشد.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

با توجه به رشد و توسعه زندگی آدمی و پیچیدگی‌های ارتباطی وی با دنیای درون و بیرون آموختن مهارت‌های معنوی در زندگی ضرورتی انکار ناپذیر است این آموزه زمینه سازگاری و رفتار مثبت مفید فرد را فراهم می‌آورند.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل آموزه‌های معنوی تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار پرداخته نشده است، ولی تحقیقات عرفانی پیرامون تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار انجام شده است. اسماعیلی نیا و سلطانی کوهبنانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به «بررسی عشق و آفرینش در تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار محبت و جایگاه آن در قلب» پرداخته‌اند. ماهیار (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به «بررسی دیدگاه‌های عرفانی رشیدالدین در آیات مربوط به زن» پرداخته است. اسعدی (۱۳۸۷) نیز به «تأثیر عرفان بر تفسیر قرآن بر اساس دو تفسیر روض‌الجنان و کشف‌الاسرار» نظر داشته است. عشق عرفانی نیز در بعضی از کتب عرفانی بررسی شده است. این پژوهش در پی آن است که با توجه به روش کتابخانه‌ای و با کمک فیش‌برداری از متون و مبانی نظری به بررسی و تحلیل آموزه‌های معنوی در تفسیر عرفانی کشف‌الاسرار بپردازد.

۲. آموزه‌های معنوی در کشف‌الاسرار میبیدی

کشف‌الاسرار تفسیر عرفانی قرآن است و بدیهی است که به مناسبت تفسیر آیات، شأن نزول و ماجرای مربوط به آیه و در مورد آیات مورد بحث ما، قصه معارضه ضربن حارث و تقابل

داستان‌های ملی با اسلام آورده شود. (جبارپور، ۱۴۰۲: ۱۹۶) کاوش و تفحص در موضوعاتی از این دست به دریافت و بازتاب درون‌مایه‌های گنجینه متون دینی و ادب فارسی کمک و از سوی دیگر باعث گسترش و ترویج استفاده از متون دینی و قرآنی در بین مردم و جامعه خواهد شد. (احمدی، ۱۴۰۳: ۴۹) کشف‌الاسرار میبیدی حاوی مضمون روایت داستان با مضامین عرفانی و اهداف مشخص است. (برین، ۱۴۰۳: ۱۵۴)

۲-۱. ضرورت معنویت در زندگی انسان

تمامی پیشرفت‌های علمی و صنعتی در صورتی که با اصلاح درون انسان همراه نباشد، کاخ‌های سر به فلک کشیده‌ای را می‌مانند که بر فراز قلعه آتشفشان بنا شده است. از این رو تربیت روحی و اخلاقی انسان و در یک کلام «برنامه انسان‌سازی» برای هر جامعه‌ای، امری به غایت جدی و حیاتی است.

توکل به خدا، زیربنای یک زندگی شادمانه و توأم با احساس سعادت و خوشبختی است. انسانی که به خدا توکل می‌کند، با قدرت تمام در مقابل مشکلات می‌ایستد و هرگز احساس شکست و نگرانی نمی‌کند. اگر در کارها و برنامه‌های خود، توکل به خدا داشته باشیم، هم به موفقیت قابل‌توجهی دست می‌یابیم و هم طی کردن مسیرهای طولانی و سخت موفقیت، برای ما آسان و عملی می‌شود.

قرآن کتابی است آسمانی که دستورات زندگی، چگونه زیستن برای سعادت دنیا و آخرت در آن نهفته است و معنویت یکی از مفاهیم با ارزش این کتاب می‌باشد، از آغاز خلقت تا ابد جایگاه ارزشی خود را نزد بشر حفظ کرده است. انبیاء الهی مبعوث شدند تا آدم سرگشته را به راه حق که یکی از اصول اعتقادی و اصلی‌ترین اهداف پیامبران بود، بازگردانند.

قرآن کریم، سرچشمه علم و معرفت و برنامه زندگی سعادت‌مندانه انسان‌هاست که از روزی که آیات وحی آن بر رسول اکرم (ص) نازل شده، تا به امروز مایه هدایت و رشد بشر واقع گردیده است و ابعاد بی‌انتهای این گنجینه آسمانی برای هر کس، نسبت به فراخور حالش قابل بهره‌گیری بوده است. در زندگی معنوی باید بر چهار اصل تأکید نمود و در حقیقت می‌توان گفت تفاوت انسان‌های عادی با انسان‌های معنوی در همین اصول است. انسان معنوی چهار چیز می‌خواهد. او انسانی است که می‌خواهد خود را بشناسد، خودش باشد، خودش را بشناسد و خودش را بهتر کند. (ملکیان، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۰۶) اولین اصل بر خودشناسی تأکید دارد: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» کسی که خود را بشناسد، تحقیقا پروردگارش را می‌شناسد.

از جمله روش‌هایی که قرآن کریم برای ترغیب انسان‌ها به دین‌داری و ارشاد و هدایت به صلاح و رستگاری به کار برده، بیان قصص انبیای سلف و سرگذشت امت‌های پیشین است.

این وقایع و سرگذشت‌های کهن به تفصیل، مانند داستان حضرت موسی^(ع) و یوسف^(ع) و اجمال، مانند داستان یونس^(ع) در این نامه آسمانی درج شده، لذا بخشی مهم از قرآن به نکات آموزنده تاریخ انبیا اختصاص دارد، چرا که قرآن شفا و رحمت برای تمام انسان‌هایی است که می‌خواهند راه رستگاری بیمایند. همانطوری که خداوند می‌فرماید: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید. (اسرا: ۸۲)

مؤلف کشف‌الاسرار به مناسبت آیاتی که سرگذشت پیمبران پیشین را شامل است، به نقل وقایع تاریخی پرداخته و اخبار رسیده درباره وقایع گوناگون را ذکر می‌کند. به این سبب گاه چندین صفحه از کشف‌الاسرار به نقل قصص و حکایات تاریخی اختصاص یافته است.

۲-۱-۱. اخلاق حسنه

در قرآن کریم هم دستورات فراوانی وجود دارد که نشانه کرامت اخلاقی است و البته این دستورات و نظایر آن، به منظور تربیت و تزکیه روح انسانی و تکامل یافتن در مسیر عبادت و بندگی خدای متعال است. از جمله می‌فرماید: وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا.

در این آیت مبانی خدمت و معالیم معاملات و حقایق معرفت جمع کرد و مؤمنان را از پسندیده اخلاق آگاه کرد و نیکو پرستیدن خود و نیکو زیستن با خلق ایشان را تلقین کرد و به شناخت اسباب رضای خود گرامی کرد. و این آیت از جوامع الکلم است که مصطفی گفته: بُعِثْتُ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ وَأَخْتَصِرُ لِيَ الْعِلْمِ اخْتِصَارًا. و در قرآن از این نمط فراوان است. (میبیدی، ۱۳۹۹، ج ۳: ۶۰۶)

خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف علم اخلاق آورده است: علم است به آنکه نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی افعالی که به ارادت او از او صادر شود جمیل و محمود بود. (طوسی، ۱۳۶۰: ۴۸) بنابراین از نظر خواجه این علم بیان کننده صفتهایی است که انسان باید در خود ایجاد کند تا رفتارهای ارادی صادر شده از او همگی نیکو و پسندیده باشد. از این رو، وی در علم اخلاق، هم از صفتهای خوب و بد و هم از چگونگی کسب صفتهای خوب و دوری از صفتهای بد بحث می‌کند.

ملا احمد نراقی در معراج السعاده تعریفی از علم اخلاق به دست نداده، اما در بیان فایده اخلاق گفته است: «فایده علم اخلاق پاک ساختن نفس است از صفتهای رذیله و آراستن آن به ملکات جمیله که از آن به تهذیب اخلاق تعبیر می‌شود.» (نراقی، ۱۳۵۱: ۱۹) بر این پایه، از نظر ایشان در علم اخلاق از فضایل و رذایل و از چگونگی اکتساب فضایل و زدودن رذایل بحث می‌شود.

از تعریف‌های بیان شده، روشن می‌شود موضوع علم اخلاق فضیلت‌ها و رذیلت‌ها و راه‌های ایجاد فضیلت‌ها و مبارزه با رذیلت‌هاست.

در پرتو انجام وظایف اخلاقی و ادب، فضایل انسانی در جامعه شکوفا می‌گردد، بین مردم روابط دوستانه برقرار می‌شود، شخصیت و شرف یکدیگر را محترم می‌شمردند، با هم به گرمی و گشاده رویی برخورد می‌کنند و زندگی را با شیرین کامی و نشاط می‌گذرانند. اخلاق و ادب، انسان را اجتماعی می‌سازد و از عدم اعتنا به دیگران و توجه مخصوص به خود که اغلب بر اثر عادات به وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند. ادب از آن جهت که عمومی است جنبه جهانی دارد و اولین زبان زنده اجتماع است.

۲-۱-۲. برخورد با مردم

«و اذا قلتُم فاعدلوا و لو کان ذاقربی» (انعام: ۱۵۲) و هرگاه سخنی گوئید به عدالت گرایید و هر چند درباره خویشاوندان باشد و... یعنی بر اساس عدل سخن گوئید و به آن نیز وفادار باشید و پیامد سخن شما نیز کنش عادلانه باشد و نیز در روایات و اخلاق اسلامی سفارش شده است که در گفتگوهای علمی اگر بحث از مدار عدال و جستجوی حق خارج و به جدال و کرسی نشاندن حرف خود کشید، فوراً از بحث کناره‌گیر می‌شود هرچند حق به جانب ما باشد.

حکایت کنند: از آن پدری که مر پسر خویش را گفت: امروز هر چه با مردم گوئی و بر زبان خود رانی، نماز شام همه با من بگویی و سکنات و حرکات خویش بر من عرض کن، آن پسر بعد از نماز شام به جهدی و رنجی عظیم و تکلفی تمام یک روزه گفتار و کردار خویش با پدر بگفت، دیگر روز همین درخواست کرد، پسر گفت: زینهار ای پدر هر چه خواهی از رنج و کلفت بر من نه و این یکی از من مخواه که طاقت ندارم. پدر گفت: ای مسکین مرا مقصود آن است که بیدار و هشیار باشی و از موقف حساب و عرض قیامت بترسی، امروز حساب یک روزه با پدر خویش با چندین لطف طاقت نداری، فردا حساب همه عمر با چندان قهر و مناقشت که نقیر و قطمیر فرو نگذارند چون طاقت آری؟! (میبدی، ۱۳۳۹، ج ۵: ۵۳۶)

دین با ایجاد تعهد و حس مسئولیت در انسان به هم‌نوعان و افراد اجتماعی و افشاندن بذل و صفا، اعتماد و علاقه نسبت به یکدیگر موجب می‌شود که اجتماع و زندگی جمعی سالم و مطلوب شود و روابط اجتماعی بهبود یابد. دین مبین اسلام با طرح اندیشه اخوت پاسخی برای نیاز انسان ایجاد کرد زیرا بر پایه اصل برادری است که حقوق هم‌زیستی مؤمنان و دین‌داران بیان گردید و به آنچه به زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی و دوستی دوسویه مانند نیک رفتاری و مانند آن می‌انجامد تأکید شده است.

۳-۱-۲. رعایت حقوق یتیمان

«ویستلونک عن الیتامی» چندانکه توانی یتیمان را بنواز و در مراعات و مواساه ایشان بکوش که ایشان درماندگان و اندوهگنان خلقند، نواختگان و نزدیگان حقند، «ان الله یحب کل قلب حزین»، فرمان درآمد که ای مهتر عالمیان! و چراغ جهانیان! یتیمان را و پناه خودگیر که سراپرده حسرت جز به فناء دل ایشان نزدند و حسرتیان را به نزدیک ما مقدار است ای مهتر! تو را که یتیم کردیم از آن کردیم تا درد دل ایشان بدانی، ایشان را نیکو داری (همان، ج: ۱: ۵۹۴)

آورده‌اند از آن اعجوبه مملکت عیسی پاک^(ع) که وقتی به گورستانی بگذشت، گفت: بارخدا! یکی را ازین بندگان خود زنده کن. در حال پاره خاک فروشد و شخصی بلند بالا ازین خاک برآمد و بایستاد، عیسی^(ع) ازو بسهمید، گفت: چند است تابدین خاک فرورفتی؟ گفت: دو هزار و هفتصد سال. گفت بگو تا مرگ را چگونه یافتی؟ گفت: از آن وقت باز که به این خاک فرو رفته‌ام تا اکنون هنوز تلخی مرگ با من است. گفت: بگو تا خدا با تو چه کرد؟ گفت: یا روح الله از دو هزار و هفتصدسال، باز هنوز در مطالبت حسابم نیم دانگ سیمام که یتیمی را در گردن من بوده است و هنوز از این مطالبت فارغ نگشته‌ام، این بگفت و به خاک فروشد (همان، ج: ۲: ۴۴۳-۴۴۲)

۴-۱-۲. مبارزه با نفسانیات

انسانیت انسان زمانی تحقق خارجی خواهد یافت و به فعلیت می‌رسد که بتواند بر رفتار و تمایلات و غرایز خویش کنترل عقلانی داشته باشد و عقل را بر تمامی تمایلات و غرایز خویش تسلط بخشد. در غیر این صورت، او حیوانی بیش نیست و غالباً چنین افرادی گوی سبقت را در حیوانیت از همه می‌ربایند. این معنا به خوبی جایگاه و اهمیت کنترل نفس و توان خویشتن‌داری در زندگی آدمی را نمایان می‌سازد؛ چرا که بدون این توان از انسان ظاهری بیش باقی نمی‌ماند.

میبیدی نفس برابر کالبد و بعد جسمانی و شهوانی انسان اطلاق کرده و آن را در مقابل دل و بعد روحانی قرار داده است او در جایی دیگر نفس را در مقابل دل قرار داده و می‌گوید: «یکی در بند قوت نفس است یکی در آرزوی قوت دل. قوت نفس طعام و شراب است و قوت دل محبت و معرفت. یکی زنده به نفس، زندگی وی به قوت است و به باد. یکی زنده به حق، زندگی وی به مهر است و به یاد» (همان، ج: ۷: ۱۲۶)

«نفس تو برمثال نمرود است و هوای نفس آتش است و آن دل سوخته تو خلیل است. نفس آتش هوا برافروخته و دل را با سلاسل مکر و اغلال شهوت در منجنيق معاصی نهاده و به آتش هوا انداخته (همان، ج ۶: ۲۷۴)

۲-۲-۵. شوق دیدار حق تعالی

رسول خدا فرمودند: دعا کلید رحمت است و وضو کلید نماز است و نماز کلید بهشت است. (احمدیان، ۱۳۸۵: ۵۴۵)

علی بن الحسین را رضوان الله علیهما دیدند که طهارت کرد و بر در مسجد بایستاد، روی زرد گشته و لرزه بر اندام وی افتاده، او را گفتند: این چه حال است؟ گفت: نمی دانید که پیش که خواهم رفت و به حضرت که خواهم ایستاد؟ (میبیدی، ۱۳۳۹، ج ۸: ۴۲۶)

دوستی حق تعالی عالی ترین مقامات است. به عقیده عارفان، در جهان بیش از یک عاشق و معشوق حقیقی وجود ندارد و آن حضرت حق جل جلاله است. چرا که این عالم چیزی جز ظاهر و مظهر و متجلی و تجلیات نیست. بنابراین خداوند تبارک و تعالی موجود حقیقی است. (فلاح خواه، ۱۳۹۲: ۳۲)

در آثار بیانند که علی^(ع) در بعضی از آن حربهای وی تیری به وی رسید، چنانک پیکان اندر استخوان وی بماند. جهد بسیار کردند، جدا نشد. گفتند: تا گوشت و پوست برندارند و استخوان نشکنند این پیکان جدا نشود، بزرگان و فرزندان وی گفتند: اگر چنین است صبر باید کرد تا در نماز شود، که ما وی را اندر ورد نماز چنان همی بینیم که گوئی وی را از این جهان خبر نیست. صبر کردند تا از فرائض و سنن فارغ شد و به نوافل و فضائل نماز ابتدا کرد، مرد معالاج آمد و گوشت برگرفت و استخوان وی بشکست و پیکان بیرون گرفت و علی اندر نماز بر حال خود بود. چون سلام نماز باز داد گفت: درد من آسان تر است. گفتند: چنین حالی بر تو رفت و تو را خبر نبود. گفت: اندر آن ساعت که من به مناجات الله باشم اگر جهان زیر و زبر شود یاتیغ و سنان در من می زنند مرا از لذت مناجات الله از درد تن خبر نبود. (همان: ۱۷۹-۱۸۰)

نماز رازی است میان بنده و خدا و از شرف نماز است که رب العالمین صدودو جایگه در قرآن ذکر آن کرده و آن را سیزده نام نهاده: صلوه، قنوت، قرآن، تسبیح و کتاب، ذکر، رکوع، سجود، حمد، استغفار، تکبیر، حسنات و باقیات و گفته اند: نماز گزارنده را هفت کرامت است: هدایت و کفایت و کفارت و رحمت و قربت و درجت و مغفرت. و اول قدم از شرک بی نمازی است. (میبیدی، ۱۳۳۹، ج ۲: ۶۷۶)

پیر زنی پارسا را گفتند: وقتی که در مناجات باشی ما را به دعا یاد دار. گفت: بیزارم از آن وقت که مرا با دوست رازی بود و جز از دوست مرا از چیزی یاد آید. ای مسلمانان همت بلند

دارید و در راه طلب کم از زنی مباحثید. بنگرید که آن پیر زن در علوّ همت خویش کجا رسیده. (همان، ج ۱۰: ۴۵۴)

۲-۲-۶. گرامی داشت فقرا

از دید او، پارسایی و قناعت در حین فقر بهترین عمل است و هر انسانی که نفس سرکشش را زیر فرمان خود داشته باشد از خردمندان نیکو نام جهان می‌شود. (احمدی، ۱۴۰۴: ۵۴) حسین بن علی^(ع) چون درویشی را دیدی، گفتی تو را که خوانند و پسر که ای؟ درویش گفتی من فلانم پسر فلان، امام حسین^(ع) گفتی: نیک آمدی که از دیر باز من در طلب توام که در دفتر پدر خویش دیدم که پدر تو را چندین درهم بروی است. اکنون می‌خواهم تا ذمت پدر خود از حق تو فارغ گردانم و بدین بهانه عطا به درویش دادی و منت بر خود نهادی. (همان، ج ۵: ۱۰۶)

۲-۲-۷. یاد آخرت

یادکرد مرگ دوستی دنیا و شوق گناه را در دل کاهش می‌دهد. اگر آدمی همواره مرگ نزدیک انگارد، در تدارک آخرت می‌کوشد و شوق دنیا در او کاهش می‌یابد. عیسی^(ع) را گفتند: چرا خویشتن را خانه نسازی؟ گفت: من سر آن ندارم که خویشتن را به چیزی مشغول کنم که تا ابد سر صحبت ما ندارد. امیرالمؤمنین علی^(ع) دیناری بر دست نهاد، و گفت: ای دنیا و ای نعیم دنیا! رو که تو عروسی آراسته‌ای و با انگشت عروسان پنجه شیران نتوان شکست، شو دیگری را فریب ده که پسر بوطالب سر آن ندارد که در دام غرور تو آید.

تا کی از دار الغروری سوختن دار السّرور تا کی از دار الفراری ساختن دار القرار (همان: ۴۵۳)

سلمان فارسی رضی الله عنه، هر گه که به خرابه‌ای برگزشتی، توقف کردی، به زاری بنالیدن و رفتگان آن منزل یاد کردی، گفتی: کجا اند ایشان که این بنا نهادند و از آن مسکن ساختند، دل بدادند و مال و جان درباختند، تا آن غرفه‌ها بیاراستند، چون دل بر آن نهادند و چون گل بر بار بشکفتند از بار بریختند و در گل خفتند. (همان، ج ۸: ۲۳۲)

۲-۲-۸. دل انسان جایگاه خداوند

از نظر اسلام و قرآن، مؤمن شادترین انسان است. چون هرگز از سختی روزگار گلایه و شکوه و ناله نمی‌کند. دنیا را محل ماندن نمی‌داند و یک توقفگاه موقت به حساب می‌آورد. سختی‌ها را تحمل می‌کند و در انتظار وصال پروردگار، لحظه‌ها را با احساس رضایت و شادمانی سیری

می‌کند و خداوند تبارک و تعالی نیز به خاطر این رضایت و شادمانگی مؤمن، عاشقانه او را دعوت به بهشت مخصوص خود می‌کند و لحظه‌های شادمانگی را برای او رقم می‌زند: «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي» ای جان آرام یافته به سوی پروردگار خویش بازگرد در حالی که تو از او خشنود و او از تو خشنود است. پس در میان بندگان من در آی و در بهشت من داخل شو (فجر: ۲۷-۳۰)

تقریباً همه صوفیان و عارفان، عشق را صفت حق و لطیفه انسانیت و میزان سلامت عقل و حس و وسیله تهدیب اخلاق و پیرایش درون شمرده‌اند و اگر برخی اوقات از آن به جنون تعبیر کرده‌اند، مقصودشان جدایی و دوری از حالات ظاهری و اعراض از مردمان ظاهرین و توجه به خدا بوده است. (حلبی، ۱۳۸۳: ۲۲۸)

در عشق حقیقی دل عاشق هرگز آرام نمی‌پذیرد و چون عشق تمام شدنی نیست، لازمه عشق نیز که هیجان و ناله و افغان است تمام نمی‌شود و رقت و تأثرهای درد عشق در زمان فراق از دوری معشوق و در ایام وصال از جلوه جمال معشوق، دل و جان عاشق را ترک نمی‌گوید. (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۴۰۷)

عشق‌های که از پی رنگی بود عشق نبود عاقبت ننگی بود
هین رها کن عشق‌های صورتی تو چرا وابسته هر صورتی
(مثنوی، ۱۶: ۱۳۹۲)

گاهی در تفسیر کشف الاسرار داستان‌هایی دیده می‌شود که یکی دین و ایمان خود را بر سر عشق مجازی بر باد می‌دهد.

«مودنی بود چند سال بانگ نماز گفته، روزی بر مناره برفت، دیده وی برزنی ترسا افتاد در کار آن زن رفت، چون از مناره فرود آمد، هر چند با خویشتن برآویخت، برنیامد. به در سرای آن زن ترسا شد، قصه با وی گفت. آن زن گفت: اگر دعوی راست است در عشق صادقی، موافقت شرط است، زنار ترسایی بر میان باید بست، آن بدبخت به طمع آن زن، زنار ترسایی بر بست.» (میبدی، ۱۳۳۹، ج ۵: ۱۵۳)

۲-۲-۹. استغفار

استغفار توبه از گناهان و آمرزش خواهی از خداوند غافر، امری است که بسیار مورد تأکید قرآن و پیشوایان دین قرار گرفته است. بهترین وقت استغفار سحرگاهان به ویژه سحر شب جمعه می‌باشد که استغفار کنندگان در سحرگاهان مورد لطف خداوند قرار می‌گیرند.

مصطفی (ص) گفت: خبر دهم شما را که درد شما چیست و داروی شما چیست؟ گفتند بلی یا رسول الله. گفت: درد شما گناه است و دارو استغفار (همان، ج ۷: ۴۷۶)

ذکر استغفار در قرآن سی و سه جا است و معنی استغفار آمرزش خواستن است. (همان: ۴۶)

۲-۲-۱۰. شکر نعمت‌های خداوند

شکر، شناخت نعمت خداوند است و سپاسگزاری آن نعمت. درویشی از روزگار نامساعد، پیش پیر طریقت بنالید. پیر گفت: ای ظریف درویش! دوست داری ترا چشم نبود و ده هزار درم در دستت بود؟ درویش گفت: نه! پیر گفت: خواهی که عقلت نبود و همان ده هزار درم بود؟ گفت: نه، پیر گفت: ای مسکین! به دو حرف ترا بیست هزار درم حاصلست، ترا چه جای شکایت است؟! (همان، ج: ۸، ۳۰)

۲-۲-۱۱. توجه به علم و ارزش آن

یزید بن مذکور گوید: اوزاعی را به خواب دیدم، گفتم: مرا خبر ده از آن عمل که بهترین اعمال است تا بدان تقرب کنم. گفت: هیچ درجه بلندتر از درجهٔ علماء ندیدم و از آن گذشته درجهٔ اندوهگنان. این خواب موافق آنست که رب‌العالمین گفت: «وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ درجات» علماء دین و فقهاء اسلام را درجات بلند دادند، هم در دنیا و هم در عقبی. در دنیا به مرتبه و شرف و وراثت و خلافت مصطفی (ص) که می‌گوید: «العلماء ورثة الانبياء» و چندانکه درجهٔ مصطفی (ع) در عالم نبوت بر درجات خلق فضل دارد. درجهٔ عالم در عالم ولایت بر درجه دیگران فضل دارد. (همان، ج: ۱۰، ۲۷)

میبیدی در کشف‌الاسرار می‌گوید: «بدان که علم سه قسم است: علم شریعت، علم طریقت و علم حقیقت. شریعت آموختنی است، طریقت معاملی است و حقیقت یافتنی است. علم شریعت را گفت: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» (الانبیاء: ۷) علم طریقت را گفت: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (المائدة: ۳۵) علم حقیقت را گفت: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (الکهف: ۶۵) حواله شریعت به استاد کرد. پس هر که بپندارد که در علم شریعت واسطه به کار نیست، او را در این علم بهره‌ای نیست. حواله طریقت با پیر کرد و حواله حقیقت با خود کرد. چون این سه علم، حاصل شد، نوری تابد در دل که به آن نور، ذات نبوت بشناسد. چون این شناخت بداند، او را از درگاه نبوت این تشریف و تخصیص یابد که «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (میبیدی، ۱۳۹۹، ج: ۸، ۱۶۹)

۲-۲-۱۲. تفکر در اعمال و افعال خود

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»، «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» صعصعه عم فرزдық پیش مصطفی (ص) آمد و مسلمان گشت و از رسول خدا در خواست تا از قرآن لختی بر وی خواند.

رسول خدا^(ص) سوره «اذا زلزلت» بر وی خواند. چون به این آیت رسید که «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةً خَيْرًا يَرَهُ»، «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةً شَرًّا يَرَهُ» آن مرد بشورید. آشوبی و شوری از نهاد وی برآمد، فریاد و ولوله در گرفت و چون مرغ نیم بسمل به خاک در افتاد و زار بگریست. آنکه گفت: حسیی هذا من القرآن. مرد دانا چون بدانست که در آن عرصه کبری بر مقام سوال از ذرات و حبات و نقیر و قطمیر بخوانند پرسید و هیچ فرو نخواهد گذاشت، دست در دامن ورع زند و در هیچ معاملات گزاف کاری نکند و با نفس خویش به نقیر و قطمیر حساب بکند تا خود با ایمان بود و خلق از وی در امان باشند. وی با اسلام بود و خلق از قصد جنایت وی به سلامت باشند. (همان، ج ۱۰: ۵۸۲)

آدمی باید در هر شبانه روز ساعتی به تفکر در کار خود بپردازد، اخلاق باطنیه و اعمال ظاهری خویش را تفحص کند و احوال دل و جوارحش را تجسس نماید: لوح دل را در مقابل خود نهاده، آن را ملاحظه کند و دفتر شبانه خود را گشوده، سرتاپای آن را مطالعه فرماید.

۳. نتیجه گیری

دین اسلام در تمام شئون زندگی ایرانیان به ویژه در عرصه ادبیات تاثیرات زیادی از خود به جای گذارده تا جایی که اگر به بیشتر کتاب‌هایی که از پیشینیانمان برجای مانده نگاهی بکنیم در خواهیم یافت که کمتر موضوع ادبی است که مایه خود را از مفاهیم قرآنی نگرفته باشد.

معمولاً مترجمان قدیم به علت ایمان حقیقی و اعتقاد صمیمی که به اسلام و کلام الله داشتند، نیروی زبان‌دانی و ذوق ادبی خود را به کار می‌انداختند و می‌کوشیدند تا ترجمانی راست‌گفتار و درست‌کردار برای این نامه مقدس باشند. خوشبختانه کشف‌الاسرار این مزایا را دارا است. میبیدی بدون شک به هر دو زبان پارسی و عربی کاملاً تسلط داشته، به این جهت به بهترین وجه از عهده برگرداندن آیات به پارسی برآمده و نثر او در همین ترجمه‌ها پارسی روان زیباست نه ترجمه تحت اللفظی نارسا.

قرآن یکی از روش‌های مؤثر در تربیت روحی انسان‌ها را موعظه می‌داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش نموده «يا ايها الناس قد جاءكم موعظة من ربكم و شفاء لما فى الصدور» (یونس: ۵۷) ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و درمان آن چه در سینه‌هاست.

نظام اخلاقی اسلام همه عرصه‌های حیات انسان را در بر می‌گیرد. برخی از ادیان جهان نظام اخلاقی خود را به تنظیم بخشی از روابط انسان محدود کرده‌اند، این ویژگی تکلیف

اخلاقی افراد را در عرصه‌های دیگر نامعلوم می‌گذارد. در حالی که اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می‌گیرد.



کتاب‌شناسی

قرآن کریم

- احمدی، محمدیاسین (۱۴۰۳)، «سخت‌ترین قرآن کریم و حدیث و بازتاب آن در شعر صائب تبریزی»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۳، شماره ۵، صص ۶۰-۴۷
- احمدی، محمدیاسین (۱۴۰۳)، «تأملی در اشعار تعلیمی عطار نیشابوری»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۴، شماره ۷، صص ۶۷-۴۷
- احمدیان، ابراهیم (۱۳۸۵)، *نهج الفصاحه*، قم: شهاب الدین.
- برین، سایه (۱۴۰۳)، مقایسه رساله الطیر خاقانی، سنایی و نجم‌الدین رازی از منظر نمادپردازی پرندگان»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۶۸-۱۵۱
- جبارپور، سمیه (۱۴۰۲)، «فردوسی و شاهنامه در متون منشور عرفانی»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۹۱-۲۴۴
- جلالی‌پندری، یدالله (۱۳۷۸)، *یادنامه ابوالفضل رشیدالدین میبدی*، یزد: یزد.
- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، *جلوه‌های عرفان*، تهران: قطره
- رشیدالدین، ابوالفضل میبدی (۱۳۳۹)، *کشف الاسرار وعده الابرار ۱-۱۰*، تهران: امیرکبیر
- رکنی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، *لطایفی از قرآن کریم*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فلاح‌خواه، فرهاد (۱۳۹۲)، *ادبیات و نگارش برای همه*، تهران: اتحاد.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰)، *مکتب حافظ یا مقدمه بر حافظ‌شناسی*، تبریز: ستوده.
- مولوی، جلال‌الدین محمدبلخی، (۱۳۹۲)، *مثنوی*، تهران: آفرینه.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۴)، *در رهگذر باد*، تهران: نگاه معاصر.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۸۹)، *معراج السعاده*، قم: بهار دل‌ها.

Spiritual teachings in human life based on the mystical interpretation of Kashf-ul-Asrar Meybodi

Zahra Alizadeh Shouraki

۱. PhD in Persian Language and Literature, Lecturer, National University of Skills, Yazd Province Branch, Yazd, Iran. Email: alizade@gmail.com

Article Info (۲۰۱-۲۱۵)

ABSTRACT

Article type:	The ultimate goal of training the soul is to develop and reach the state of nearness to God. The Holy Quran and the Hadiths clearly indicate this. It should be known that the path of human movement is a real path, not a hypothetical or figurative one, and the Holy Quran and the Hadiths are used to show that the ultimate movement of man is towards God. Rashid al-Din Meybodi can be considered one of the mystics. His book Tafsir Kashf-ul-Asrar is the greatest and oldest Persian mystical interpretation that contains a collection of legal subtleties, Quranic points, and prophetic references. It was written with the aim of explaining the path of spiritual conduct and reaching the truth using the source of knowledge of the prophets and the merciful law. Finally, Meybodi has given gentleness and kindness, advice and advice and expressed his message in the form of quotations, stories and hadiths. In "The Third Nubah", he has a mystical and artistic view of the verses of the Quran and the stories of the prophets. The present article has examined the spiritual teachings in the mystical interpretation of Kashf al-Asrar using a descriptive-analytical method and has concluded that Meybodi has best succeeded in translating the verses into Persian and his prose in these translations is beautiful, flowing Persian, not an inadequate literal translation.
Research Article	
Article history:	
Receive:	
۰۲/۰۹/۲۰۲۴	
Accepte:	
۱۵/۰۲/۲۰۲۵	
Keyword:	
Kashf al-Asrar	
Spirituality	
Abolfazl	
Rashid al-Din Meybodi	